

ادای دین در صورت کاهش ارزش پول در برخی عقود و دیون از منظر فقه

منصوره غلامی

سطح ۳، حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) اراک، gholami۳۵۴@yahoo.com

چکیده

کاهش ارزش پول موضوعی است که نیاز به بررسی های فقهی دارد. به علت این که در صدر اسلام نوع پول ها درهم و دینار و از جنس طلا و نقره بوده است، از ثبات نسبی ارزش در مقایسه با پول های جدید برخوردار بوده اند. لذا ارزش پول در باره پول های امروزی که غالباً از جنس کاغذ بوده و اعتباری می باشند، مطرح است. کاهش ارزش پول پیامدهای فقهی را در دیون و قراردادهای مدت دار به دنبال دارد و در این صورت شخص مدیون باید مبلغی را بپردازد که از جهت عرفی بری الذمه محسوب شود. به همین دلیل طبق نظر اکثر فقها جبران کاهش ارزش پول ضروری است. البته در این خصوص اختلافاتی هم به خاطر مثلی و قیمی بودن پول مطرح است. که برخی از فقها جبران کاهش ارزش پول را قبول ندارند. لذا اگر ملاک را عرف بدانیم، و به جهت رعایت قاعده عدل و انصاف و قاعده لاضرر، در پرداخت دیون و قراردادهای مدت دار که به اندازه ای به تاخیر افتاده اند که ارزش پول به علت تورم کاهش شدید دارد جبران آن ضروری خواهد بود. جمع آوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه ای بوده و از منابع روایی، فقهی و اقتصادی استفاده شده است. هدف از نگارش این تحقیق اولاً پاسخ به سوال ذهنی خود محقق بود و ثانیاً بهره بردن دیگران در خصوص پرداخت دیونشان می باشد.

کلید واژه: دین، ارزش پول، کاهش ارزش پول، پرداخت دیون

مقدمه

ارزش پول در شرایط تورمی و به علت پایین بودن هزینه چاپ و انتشار آن توسط دولت ها، مرتباً در حال کاهش بوده و در پس اندازهای طولانی، ارزش آن به سمت صفر میل می کند.

از آن جا که یکی از وسایل پرداخت دیون پول می باشد، با وجود کاهش ارزش آن این سؤال مطرح است که شخص مدیون اگر در پرداخت دین تأخیر کند، در چه صورت بری الذمه می شود؟ آیا همان مبلغ روز مدیونی یا مبلغ روز پرداخت؟ در پاسخ این سؤال با جواب های مختلفی از سوی فقها مواجه خواهیم شد؛ که این اختلاف ناشی از نظریه مثلی یا قیمی بودن پول است، که محقق با توجه به نظر بر خی از فقها تشخیص مثلی یا قیمی بودن را به عهده عرف می گذارد، همچنان که معتقد است وقتی می توان گفت، شخص مدیون بری الذمه است که عرف او را مبری بداند. با توجه به ضمان دار بودن کاهش ارزش پول، محقق پس از ذکر مباحثی مقدماتی؛ مانند: مشکلات ناشی از کاهش ارزش پول و راه های جبران آن به ذکر ادله لزوم جبران کاهش ارزش پول می پردازد و علاوه بر عرف با استناد به برخی از قواعد فقهی اثبات می کند که جبران کاهش ارزش پول از دید فقها ضروری است. در ادامه، با بیان ادله مخالفین به نقد نظریه آنها می پردازد. آخرین مبحثی که شاید به لحاظ کاربردی بودن آن مهم ترین مبحث است، تأثیر کاهش ارزش پول بر برخی دیون و عقود و راه جبران آن می باشد، که به بررسی تأخیر پرداخت در مهریه پولی، تأخیر بازگشت قرض و ... پرداخته شده است. محقق در پاسخ به این سؤال ها از کتب اقتصادی جهت تبیین ماهیت پول و کاهش ارزش آن و از کتب فقهی جهت تأثیر کاهش ارزش پول بر عقود و دیون از منظر فقه بهره برده است تا انشاءالله بتواند کار جدید و نوینی را ارائه دهد.

اهمیت وفایده تحقیق

دگرگونی های سریع اقتصاد و ماهیت اعتباری پول، باعث شده تا ارزش پول، پیوسته سیر نزولی داشته باشد و این روند با ورود پول کاغذی و تحریری، شدت بیشتری یافته است. در قراردادهای بلند مدت، ارزش پول به صورت چشمگیری کاهش یافته، نگرانی ها و نابسامانی های فراوانی برای افرادی چون صاحبان درآمد ثابت، صاحبان پس انداز و طلبکاران ایجاد می کند؛ این امر باعث شده که اقتصاددانان به جبران کاهش

ارزش پول توجه کنند و در دهه های اخیر، فقیهان و اقتصاددانان اسلامی عنایت خاصی به آن داشته باشند .
لذا جبران کاهش ارزش پول و مشکلات ناشی از عدم جبران کاهش ارزش پول موضوعی است که از نظر
فقهی و ارزشی اهمیت ویژه ای دارد.

از آن جایی که عدم جبران کاهش ارزش پول مصداقی از ظلم است و عرف در صورت عدم جبران کاهش
ارزش پول مدیون را بری الذمه نمی داند، جبران آن فوایدی از جمله توازن و تعادل اجتماعی، میل به
اجرای سنت قرض الحسنه، آرامش و اطمینان خاطر قرض دهنده و رواج همدلی و تعاون در جامعه را به
دنبال خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

پول در صدر اسلام درهم و دینار و از جنس طلا و نقره بوده است . لذا ارزش آن از نوسانات ناچیزی برخوردار
بوده و در بلند مدت ثبات لازم را داشته است . چون پولهای گذشته پول حقیقی بودند و کالای اقتصادی
شمرده می شدند. ولی پولهای امروزی که اسکناس بوده و از جنس کاغذ می باشند اعتباری محض هستند
و فقط اعتبار است که ارزش آنها را تعیین می کند، و کالای اقتصادی محسوب نمی شوند . لذا با توجه به
تجارب و شواهد تاریخی ارزش پول های امروزی در نوسان شدید هستند . و به همین علت بحث از کاهش
ارزش پول زمانی آغاز شد که پولها به شکل کاغذ و اسکناس تبدیل گردید . بنابراین این موضوع از جمله
موضوعات مستحدثه می باشد و در گذشته در خصوص آن پژوهش خاصی انجام نشده است . البته در قرن
اخیر کشورهای مختلف در صدد جبران قانونی کاهش ارزش پول برآمدند. اما این موضوع علاوه بر پیامدهای
اقتصادی در کشورهای اسلامی از نظر ارزشی و فقهی اهمیت ویژه ای دارد و همین امر سبب شده که فقیهان
و اقتصاد دانان مسلمان با جدیت این مسئله را دنبال کنند و در همین خصوص همایش ها و مباحثه های
فراوانی صورت گرفته است . کتب و تحقیقات درباره این موضوع در ۳۰ سال اخیر تالیف شده اند و در اکثر
آنها به صورت خاص به احکام فقهی پول، ربا و کاهش ارزش پول، کاهش ارزش پول و لزوم جبران آن، تورم
و کاهش ارزش پول، ... پرداخته شده است که در زیر به آنها اشاره می شود:

« احمد علی یوسفی » (۱۳۸۱) در کتاب خود با عنوان « ربا و تورم » به بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش
پول و ربا پرداخته اند و پس از بحثهای مقدماتی در خصوص پول، ربا، تورم و تحلیل قیمتها در عصر تشریع،

در فصل آخر که مهمترین فصل کتاب است، آرای فقیهان و دانش پژوهان را مورد بررسی قرار داده به ذکر ادله معیار بودن قدرت خرید اسمی پول و ادله ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول پرداخته و آنها را نقد کردند و برخی از ادله را قابل استناد در مقام مورد نظر نمی دانند.

« دکتر میثم موسایی » (۱۳۸۳) در کتاب «ربا و کاهش ارزش پول» پس از ذکر مباحثی مقدماتی از جمله ربا و سیر تکاملی پول و انواع آن و مستحدث بودن پول اعتباری، به بررسی ادله جبران کاهش ارزش قدرت خرید پول پرداخته و برخی از استدلالها را نقد نموده اند و در آخر یافته های تجربی خود را که طی چند آزمون با مخاطبین مختلف (عرف عام و عرف دقیق) انجام دادند آوردند و به این نتیجه دست یافتند که اکثریت قریب به اتفاق عرف عادی و عرم دقیق مورد مطالعه، به تغییرات فاحش قدرت خرید پول توجه و معتقدند که کاهش ارزش پول در عقود (به جز امانت) باید جبران شود.

«سید محمود هاشمی شاهرودی» (۱۳۷۴) در مقاله ای با عنوان « احکام فقهی کاهش ارزش پول » با ذکر نظرات و استنادهای گوناگون به نقد و بررسی آنها پرداخته و نهایتاً نظر صحیح را از دیدگاه خود عنوان کرده اند و در اکثر مصادیق قائل به جبران کاهش ارزش پول می باشند . در فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام) شماره دو مقاله ایشان آورد شده است.

« دکتر سید حسین میرجلیلی » (۱۳۸۴) در مقاله « جبران کاهش ارزش پول؛ نظریه و کاربرد » با روش تحلیلی و تطبیقی، به ارزیابی فقهی اقتصادی کاهش ارزش پول می پردازد، ضمن پذیرش برخی مشکلات کاهش ارزش پول، جبران کاهش ارزش پول از طریق شاخص بندی را دارای اشکالات فقهی و اقتصادی می داند و سرانجام راه حل رفع مشکل کاهش ارزش پول را ثبات قیمتها می داند . در این مقاله تبعات فقهی و عکس العمل عرف به خوبی مطرح نشده و کاهش شدید ارزش پول را چیزی شبیه نوسانات خفیف پولی زمان شارع می داند.

تحقیق حاضر با عنوان «ادای دین در صورت کاهش ارزش پول در برخی مصادیق از منظر فقه» به لحاظ کاربردی بودن مطالب و به جهت اینکه به طور مفصل به رایج ترین مسئله (مهریه) پرداخته و طرح تعدیل مهریه های پولی را از دیدگاه فقها بررسی کرده است نو و بدیع می باشد.

گفتار اول: ضمان دار بودن کاهش ارزش پول

یکی از احکام فقهی مهم مربوط به پول، مسأله ضمان و بدهی آن است، به این معنا که اگر کسی مقداری پول از دیگری وام گرفت و یا به هر دلیلی (از قبیل اتلاف، مهر، غصب و غیره) ذمه او به آن مشغول شد، آن چه که روشن است این است که در مقام پرداخت و اداء، باید همان مقدار پول به طلبکار بپردازد، ولی سؤال این است که آیا میزان، در پرداخت، مقدار اسمی آن است، یا قیمت و معادل و قدرت خرید آن؟ یعنی اگر صد تومان گرفته باشد باید همان صد تومان را پرداخت کند و لو بعد از پنجاه سال و کاهش ارزش پول، یا باید معادل و قدرت خرید را در نظر بگیرند؟ چون صد تومان امروز قدرت خرید پنج ریال پنجاه سال قبل را ندارد؟

آیت الله مکارم شیرازی در این باره می نویسد:

اگر تورم در زمان کوتاه و مقدار معمولی باشد، محاسبه نمی شود؛ چرا که همیشه تغییراتی در اجناس و قدرت خرید پول پیدا شده و می شود و سیره مسلمین و فقها بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است؛ ولی اگر تورم شدید [و] سقوط ارزش پول زیاد باشد تا آن حد که در عرف، پرداختن آن مبلغ، ادای دین محسوب نگردد، باید براساس وضع حاضر محاسبه کرد و در این مسأله، تفاوتی میان مهریه و سایر دیون نیست؛ مثلاً در یکی از استفتائات آمده بود که شخصی در سی سال قبل، اجرت بنایی را نپرداخته؛ در حالی که بنا، برای او ده روز کار کرده و اجرت بنا در آن زمان روزی ۱۸ تومان، یعنی ۱۸۰ ریال بوده. به یقین اگر کسی بخواهد اجرت بنا را به قیمت آن روز یعنی ۱۸ تومان برای هر روز بپردازد، در هیچ عرفی ادای دین محسوب نمی شود و همچنین در مورد اتلاف قیمتیات بنابراین که قیمت سابق را بپردازد، هیچ عرفی آن را جبران خسارت نمی شمارد؛ بنابراین، نه در دیون و نه در خسارات دیگر، پرداختن قیمت سابق در این گونه مقامات، مصداق ادای دین یا جبران خسارت نیست و به همین دلیل باید به نرخ روز حساب کرد. لازم به یادآوری است که این پدیده، در واقع جزء مسائل مستحدثه محسوب می شود و از آثار پول های کاغذی و اعتباری است و اگر معاملات مانند سابق با طلا و نقره صورت می گرفت، با چنین پدیده ای روبه رو نبودیم، مگر در موارد بسیار نادر؛ نتیجه این که در مواردی که تغییرات قیمت ها در کوتاه مدت یا دراز مدت کم

گفتار پنجم: غصب

الف - حکم غصب:

- غصب دو حکم تکلیفی دارد و آنها حرمت و وجوب رد آن به مغضوب منه یا ولی او است . و غصب حکم وضعی هم دارد و آن ضمان است . به این معنا که چیز عصبی برعهده غاصب می باشد و تلف و خسارت آن به عهده او است و اینکه اگر تلف شود واجب است که عوض را بپردازد و به این ضمان، «ضمان ید» گفته می شود.^۱

- در صورت عدم امکان بازگرداندن عین غصب شده، به خاطر تلف شدن عین یا چیزی مانند آن، اگر آن عین مثلی باشد، غاصب ضامن مثل آن خواهد بود . اگر قیمی باشد غاصب ضامن بالاترین قیمت آن از زمان غصب تا زمان تلف می باشد. و بنا بر قول بعضی فقها غاصب ضامن بالاترین قیمت آن از زمان غصب تا زمان رد است.^۲

- اگر مثل در مثلی متعذر باشد قیمت آن را ضامن است و اگر قیمت متفاوت باشد و به حسب زمانها کم و زیاد شود به اینکه در وقت عصب قیمتی و در وقت تلف عین قیمتی و در زمان متعذر شدن آن قیمتی و زمانی که قیمت را به مغضوب منه می پردازد قیمتی داشته باشد معیار آخری است.^۳

- اگر مغضوب تلف شود و قیمی باشد، قیمت آن را ضامن است . پس اگر قیمت زمان غصب با قیمت زمان تلف، متفاوت نباشد اشکالی نیست . ولی اگر متفاوت باشد، به اینکه قیمت زمان غصب بیشتر از قیمت زمان تلف یا عکس آن، باشد، آیا اولی رعایت می شود یا دومی؟ در آن دو قول است و در اینجا وجه دیگری است و آن مراعات قیمت زمان پرداخت است.^۴

^۱ - همان، مسأله ۳ غصب

^۲ - محمدبن جمال الدین، مکی العاملی، همان، ص ۱۰۱

^۳ - روح الله، خمینی، همان، مسأله ۲۵ غصب

^۴ - همان، مسأله ۳۰

ب- جبران کاهش ارزش پول در غصب

اگر مبلغی پول به وسیله فردی غصب شود و غاصب پس از مدتی (به حکم دادگاه یا بدون حکم دادگاه) بخواهد پول را به صاحبش برگرداند، و در این مدت، ارزش حقیقی پول به یک سوم کاهش یابد، غاصب ملزم به پرداخت چه مبلغی خواهد بود؟

هرگاه غاصبی پول اعتباری شخصی را غصب کند و در مدت غصب، ارزش آن به شدت کاهش یابد، در مال نقص ایجاد شده است. بنابر احکام فقهی که در مورد غصب ذکر شد، غاصب ضامن است و باید ارزش حقیقی پول را برگرداند.

کاهش ارزش پول در دیون و عقود مختلف همچون مهریه، قرض، مضاربه، غصب، تأثیر بسزایی دارد. اگر قایل به جبران کاهش ارزش پول نباشیم قطعاً بی عدالتی خواهد بود و عرف هرگز این را نمی پذیرد. لذا با تمسک به ادله مختلف، باید جهت بری الذمه شدن شخص مدیون ارزش حقیقی پول را محاسبه و پرداخت کرد.

نتیجه گیری

درمقام نتیجه گیری از مطالب و موضوعاتی که به بررسی آن پرداختیم، می توان چنین عنوان کرد :

۱- عرف به تغییرات چشمگیر کاهش ارزش پول توجه دارد و عدم جبران آن را در ادای دین کافی نمی داند. لذا می توان با نظارت دولت، مبارزه با احتکار، تثبیت قدرت خرید قرض دهنده و تعدیل قانونی با کاهش ارزش پول مبارزه کرد.

۲- بهترین معیار برای جبران کاهش ارزش پول از نظر عرف لحاظ کردن تورم است.

۳- مهمترین عاملی که فقها از آن برای عدم جبران کاهش ارزش پول استفاده کرده و به آن استناد کرده اند حرمت ربا است و جبران کاهش ارزش پول را مصداق ربا می دانند. با ادله زیر می توان اثبات کرد که جبران کاهش ارزش پول ربا نیست:

اولاً: عدم جبران کاهش ارزش پول با فلسفه های تحریم ربا سازگاری ندارد . ثانیاً: کاهش ارزش پول موضوعاً از مصادیق ربا شمرده نمی شود.

۴- رعایت قاعده عدل و قسط و عدم ظلم در حق دیگران از اموری است که عرف، عقل، آیات و روایات برآن تأکید و تصریح دارند و از امور ضروری و بدیهی دین اسلام است . درهرمورد از امور زندگی از جمله در باب دیون و معامله ها این قاعده باید مراعات شود . رعایت این قاعده هنگامی که ارزش پول کاهش شدیدی می یابد، در صورتی ممکن است که معیار در بازپرداخت، قدرت خرید حقیقی پول باشد؛ و گرنه از قلمرو عمل به عدل و قسط خارج، دچار ستم آشکار می شویم.

۵- ادای دین، امری عرفی است. در جوّ تورمی و هنگامی که ارزش پول به شدت کاهش می یابد، باید دید، عرف چه چیزی را ادای دین می داند . اگر کاهش ارزش پول شدید باشد، به یقین عرف، وقتی مدیون بری الذمه می شمارد که ارزش حقیقی پول را ملاک قرار دهد و آن را به دائن بپردازد؛ در غیر این صورت، یعنی اگر مدیون ارزش اسمی را بپردازد، عرف عام او را بری الذمه نمی داند و باز پرداخت قدرت خرید حقیقی پول را زیادی و ربا نمی شمارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

- ۱- باطنی، محمد، بررسی فقهی و حقوقی تأثیر تورم در باز پرداخت دیون، تهران، ساجد، چاپ اول ۱۳۷۷
- ۲- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴
- ۳- کرمی، محمد مهدی، و محمدپورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱
- ۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲ و ۳، چاپ اول، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴
- ۵- موسایی، میثم، ربا و کاهش ارزش پول، چاپ اول، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳
- ۶- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ نهم، قم، صدرا، ص ۲۰۳
- ۷- موگهی، عبدالرحیم، احکام ازدواج، طبق فتاوی و نظریات امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران، انتشارات شفق، ۱۳۷۰
- ۸- هدایت نیا گنجی، فرج الله، حقوق مالی زوجه، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵
- ۹- یوسفی، احمد علی، رلبوتورم، چاپ اول، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱

منابع عربی

- ۱- انصاری، مرتضی، النکاح
- ۲- تبریزی، میرزا جواد، صراط النجاه، قم، دارالفکر، بی تا، ج ۱
- ۳- حسینی روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثه، چاپ چهارم، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۴ ق
- ۴- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۶، ۱۷، ۱۸، چاپ چهارم، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق
- ۵- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۷۱ ق، ج ۵
- ۶- خمینی روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم دفتر انتشارات اسلامی
- ۷- طباطبایی، سی محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، قم، جامعه مدرسین
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲، بیروت، داراحیاء التراث، العربی ۱۳۷۹ ق
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۲، چاپ پنجم، قم، مدرسه الامام امیر المومنین (ع)، ۱۳۸۰
- ۱۰- مکی العاملی، محمدبن جمال الدین، (شهید اول)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵

مقالات، سایتها

- ۱- ایزد پناه، عبد الرضا، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره هفتم، سال دوم، پاییز ۱۳۷۵
- ۲- رضوانی، «نظر خواهی از فقهاء پیرامون مسائل فقهی، حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»، فصلنامه رهنمون، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۲
- ۳- معرفت، محمدهادی، فقه اهل بیت، سال دوم، ۱۳۷۵، شماره ۷
- ۴- هاشمی شاهرودی، سید محمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۷ و ۸، تابستان ۱۳۷۴
- ۵- یوسفی، احمد علی، «جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی» مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۱

۶- «استفتائات پیرامون کاهش ارزش پول»، دادرسی، شماره ۱۷، آذر و دی ۱۳۷۸

۷- فقه اهل بیت سال سوم، شماره نهم

۸- سایت اینترنتی: www.Irandoc.ac.ir

۹- سایت اینترنتی: www.noormagz.ir